



بررسی کیفیت مشدده سردستگی و شرایط تحقق آن در حقوق ایران و آمریکا

دکتر الهام حیدری^۱ ✉

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۱

چکیده

ارتکاب جرم به شکل گروهی و سازمان یافته و با سردستگی یک یا چند شخص از معضلات جوامع کنونی است. چنین پدیده‌ای، واکنش مناسب قانونی را ایجاب می‌کند. قانونگذار ما در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی با پیش بینی حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی برای سردسته در این راستا گام برداشته است. با این وجود، مفهوم و شرایط تحقق سردستگی در حقوق ما مبهم بوده و سؤال برانگیز است. رفع این ابهام مستلزم کنکاش در ماده ۱۳۰، قوانین پراکنده و نیز رویه قضایی است. در ایالات متحده نیز سردستگی موضوع قانون بوده و در عین حال رویه قضایی این کشور با صدور آراء متعددی سعی در روشن سازی شرایط تحقق سردستگی دارد. در مقاله حاضر با نگاهی تطبیقی سعی در روشن سازی مفهوم و بررسی شرایط تحقق سردستگی در حقوق ایران و آمریکا داریم.

واژگان کلیدی: سردستگی، کیفیات مشدده، گروه مجرمانه، قانون مجازات اسلامی، حقوق آمریکا

✉ e.heidary@yahoo.com

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه شهرکرد

مقدمه

ارتکاب جرم به عنوان رفتار مخل نظم عمومی مرتکب را در معرض مجازات قرار می‌دهد. در این میان و به حکم قانون، وجود کیفیات یا شرایط خاصی در جرم ارتكابی و یا مجرم که گاه جنبه عینی و گاه جنبه شخصی دارند، مجرم را با مجازات مشدد مواجه می‌سازد. کیفیات مذکور که اسباب تشدید مجازات خوانده می‌شوند، «کیفیات و اوصافی هستند که قانون‌گذار تعیین کرده و دادرس به محض احراز آن‌ها به حداکثر و یا بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون برای همان جرم حکم خواهد داد» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۰). سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته یکی از این اسباب تشدید مجازات است که در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی به آن پرداخته شده است. به موجب این ماده: «هر کس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آن که جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند، حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد».

چنین پیش‌بینی از سوی قانون‌گذار گام بزرگی در راستای اجرای عدالت است. چرا که سکوت قانون‌گذار و عدم پیش‌بینی مجازات خاص برای سر دسته ما را به سمت قواعد عمومی حقوق کیفری سوق خواهد داد که بر اساس آن‌ها مجازات سر دسته بر مبنای نحوه مداخله وی در عناصر جرم می‌تواند معاونت یا شرکت باشد. به ویژه در اکثر موارد که سر دسته صرفاً طراح و مدیر جرم است و در عنصر مادی جرم دخالت مستقیم نداشته، به عنوان معاون شناخته شده و با مجازات کمتر در قبال دریافت منافع بیشتر مواجه خواهد بود و این خلاف انصاف است. در واقع و بدون وجود قاعده سردستگی، فرد یا افرادی بی‌آن که دست به عملیات اجرایی جرم زده باشند، نقش اصلی را در جرم ایفا کرده و با وجود برخورداری از بیشترین منافع جرائم ارتكابی با مجازاتی سبک مواجه خواهند شد و این ناصواب و غیر عادلانه خواهد بود (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵: ۲۵). فلذا همانطور که از متن ماده و تبصره دو آن بر می‌آید قانون‌گذار سر دسته را تشکیل دهنده گروه، طراحی کننده آن، سازمان دهنده و یا اداره کننده گروه مجرمانه دانسته است و در جرائم تعزیری، مشروط به تعلق عنوان سردستگی گروه مجرمانه بر وی، او را مستحق حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی توسط اعضای گروه دانسته است.

مسلماً مغز متفکر، طراح و مؤسس و سازمان دهنده یک گروه مجرمانه مستحق مجازات شدیدتری است. شدت مجازات وی را رهبری و سوق دادن دیگران به سمت جرم و ایجاد و تقویت



جرات ارتکاب جرم در آن‌ها توجیه می‌کند. به علاوه ارتکاب جرم به شکل گروهی و سازمان یافته به مراتب خطر بیشتری برای جامعه داشته و به همان نسبت نیز دستگاه پلیسی و قضایی را برای پیشگیری، کشف و مقابله با جرائم آن‌ها با دشواری‌های بیشتری مواجه می‌سازد. ضمن این‌که از منظر روانشناسان جنائی نیز وجود دسته، گروه یا باند برای ارتکاب جرم، از نظر روانی ارتکاب جرم را برای افراد آسان‌تر می‌سازد (کی نیا، ۱۳۷۴: ۳۲۴ - ۳۲۳). در واقع، بزهکاران ترجیح می‌دهند، به منظور بالابردن احتمال موفقیت در فعالیت‌های مجرمانه به صورت گروهی اقدام کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۶۵۵). بر همین اساس است که از دیرباز، سیاست قانون‌گذار در مقابله با گروه‌هایی که با قصد و نیت ارتکاب جرم تشکیل می‌شوند همواره بر سخت‌گیری بوده است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۷۷). سردستگی گروه‌های مجرمانه سازمان یافته به‌عنوان یک کیفیت مشدده به شکل عام نیز با هدف مقابله با تشکیل چنین گروه‌هایی، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب، تحولات قانونی در بحث سردستگی و ابداعات قانون‌گذار در ماده ۱۳۰ ضرورت تحلیل حقوقی آن را آشکار می‌سازد. به‌ویژه اینکه، مفهوم و ماهیت و شرایط اطلاق عنوان سردسته به افراد مبهم است. در واقع در این حوزه با پرسش‌های متعددی مواجهیم که پاسخگویی به آن‌ها مستلزم تحلیل ماده قانونی و نیز مطالعه تطبیقی موضوع در حقوق و رویه قضایی سایر کشورها است. پرسش‌هایی از این دست که آیا برای اطلاق عنوان سردسته بر یک فرد حضور فیزیکی و مداوم وی در گروه لازم است یا فردی می‌تواند سردسته گروه مجرمانه باشد بی‌آنکه حضوری در گروه داشته باشد؟ صرف سلطه بر اموال گروه یا حمایت مالی از یک گروه مجرمانه باعث اطلاق عنوان سردستگی به یک شخص می‌شود؟ آیا یک گروه می‌تواند هم‌زمان بیش از یک سردسته داشته باشد؟ ویژگی بارز و تعیین‌کننده سردسته چیست؟

در حقوق آمریکا که به لحاظ تطبیقی مدنظر نگارنده است، گرچه سردستگی گروه‌های مجرمانه به‌عنوان یک کیفیت مشدده موضوع مواد قانونی است، مفهوم سردسته روشن نشده است و در رویه قضایی این کشور آراء متعددی در راستای رفع ابهام و ارائه یک تعریف حقوقی رسمی از سردسته صادر شده است. آراء مذکور که در این مقاله بررسی می‌شوند، هر یک سعی دارند مشخصه ای را از شرایط ضروری اطلاق عنوان سردستگی دانسته و یا به عکس ضرورت وجود مشخصه خاصی را برای سردسته رد نمایند (Scordato, 2015: 1061).

۱. برای نمونه می‌توان به قوانین زیر اشاره نمود: ماده ۴ قانون مجازات اخلاک‌گران در صنایع مصوب ۱۳۵۳، ماده ۱۵ قانون راجع به مجازات اخلاک‌گران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶، ماده ۴ قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه آهن مصوب ۱۳۲۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی.



در پژوهش پیش رو با نگاهی تطبیقی به دنبال رفع ابهام از مفهوم سردسته و شرایط اطلاق این کیفیت مشدده بر رهبر، مدیر یا طراح گروه مجرمانه سازمان یافته هستیم. بدین ترتیب و با توجه به اینکه تمرکز نگارنده بر رفع ابهامات ذکر شده است، مقاله را به دو بخش تقسیم و در بخش اول پژوهش، مفاهیم بنیادین مرتبط با بحث یعنی گروه مجرمانه و سازمان یافتگی و نیز سیر قانون گذاری را مطرح کرده و در بخش دوم به بررسی شرایط اطلاق و تحقق عنوان سردسته خواهیم پرداخت.

۱. مفاهیم و سیر قانون گذاری

مسلماً تحلیل حقوقی مفهوم و شرایط تحقق سردستگی، نیازمند بررسی عناوینی است که با آن پیوند خورده اند. از آنجا که سردستگی در گروه های مجرمانه منسجم و سازمان یافته مصداق پیدا می کند، در این بخش، به بررسی مفهوم گروه مجرمانه، سازمان یافتگی و نیز سیر قانون گذاری کیفیت مشدده سردستگی خواهیم پرداخت.

۱.۱. مفاهیم

۱.۱.۱. گروه مجرمانه

آنچه واضح است این که برای تحقق کیفیت مشدده سردستگی نیازمند وجود و تشکیل یک گروه مجرمانه ایم. اما پرسش این است که عنوان گروه بر چند نفر صدق می کند؟ و اساساً گروه مجرمانه به چه گروهی اطلاق می شود؟ در مقررات کیفری می توان موادی را یافت که گروه را بر جمعیتی بیش از دو نفر اطلاق کرده اند. برای نمونه می توان به ماده ۴۹۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ که برای مؤسسين گروه های بیش از دو نفر که با هدف بر هم زدن امنیت کشور تشکیل می شوند، مجازات تعیین کرده است اشاره نمود. علاوه بر این دست مواد، در خصوص سردستگی تبصره ۱ ماده ۱۳۰ کاملاً صراحت داشته و حداقل افراد لازم برای تشکیل گروه مجرمانه را سه نفر دانسته است. به موجب تبصره مذکور: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می گردد. بر اساس این تبصره گروه هایی با جمعیت حداقل سه نفر که با هدف ارتکاب جرم و نقض مهم ترین هنجارهای زندگی اجتماعی از هر سنخ اعم از جرائم علیه اشخاص، اموال و ... تشکیل شده و یا هدف از تشکیل آنها در ابتدا ارتکاب جرم نبوده و بلکه در ادامه فعالیت خود به ارتکاب جرم روی می آورند، گروه مجرمانه هستند و لذا می توان در این گروه ها سردسته را جستجو و اعمال کیفیت مشدده نمود.



در ایالات متحده مقررات سردستگی گروه‌های مجرمانه از قانون جامع کنترل جرم ۱۹۸۴ نشأت می‌گیرد.^۱ به دلیل ابهامات زیادی که در این قانون وجود داشت، کمیسیون مجازات ایالات متحده به عنوان یک نهاد مستقل مأمور تهیه دستورالعملی شد که پس از بررسی گسترده آراء محاکم کیفری و نیز مشاوره‌هایی در سطح وسیع تهیه و در سال ۱۹۸۷ به کنگره ارائه و تصویب شد (Reilly, 1997: 53). دستور العمل یاد شده که با عنوان دستور العمل مجازات فدرال معروف است، حاوی این قاعده است که مجازات‌ها یا به علت ویژگی‌های خاص جرائم ارتکاب یافته توسط متهمان و یا به علت ویژگی‌های خاص خود متهمان افزایش می‌یابند.^۲ در میان عواملی که بر مجازات موثرند می‌توان به نقشی که متهم در ارتکاب جرم بازی می‌کند اشاره نمود. بر اساس دستورالعمل مذکور گاه متهم نقش مشدده ای در ارتکاب جرم دارد که مبتنی است بر اینکه نقش متهم سطح جرم و وخامت آن را شدت می‌بخشد. این نقش شامل موارد زیر است:

۱- در صورتی که متهم بانی (سازمان دهنده) یا سردسته یک فعالیت مجرمانه باشد که شامل پنج نفر یا بیشتر شرکت کننده است و یا به نحو دیگری این فعالیت مجرمانه سخت و شدید باشد، مجازات وی تا ۴ درجه افزایش می‌یابد.

۲- اگر متهم مدیر یا سرپرست فعالیت مجرمانه باشد اما عنوان بانی یا سردسته به وی اطلاق نشود و فعالیت مجرمانه پنج نفر یا بیشتر شرکت کننده داشته یا به نحو دیگری مشدد و سخت باشد، مجازات تا سه درجه افزایش می‌یابد.

۳- در صورتی که متهم بانی، سردسته، مدیر یا سرپرست هر فعالیت مجرمانه دیگری باشد غیر از آنچه که در بندهای ۱ و ۲ توصیف شد، مجازاتش ۲ درجه افزایش می‌یابد.

همانطور که از متن ماده ذکر شده بر می‌آید در ایالات متحده تعداد اعضای گروه و نوع فعالیت مرتکب به عنوان سردسته، سرپرست یا ... بر میزان تشدید مجازات وی مؤثر است و قانونگذار بر اساس تعداد اعضای گروه میزان تشدید مجازات را متغیر در نظر گرفته است. ضمن اینکه از بند ۳ دستور العمل نیز چنین برداشت می‌شود که گروه بر بیش از یک نفر نیز صدق کرده و به تبع می‌توان فردی را که سردسته یک گروه مجرمانه متشکل از دو عضو است، به میزان مجازات پیش بینی شده در این بند محکوم نمود. رویه قضایی این کشور هم مؤید این استنباط است. برای نمونه می‌توان به پرونده^۳ «United States v Valdez-Arieta» اشاره نمود که در آن، متهم با شخص

1. The Comprehensive Crime Control Act of 1984

۲. بند ۲ مرتبط است با ویژگی‌های قابل ملاحظه ای که جرم دارد و این ویژگی‌ها بر مجازات تأثیر گذارند. بند ۳ ابزارهای مهم در تنظیم مجازات را اشاره می‌کند و در بند ۴ به عواملی همچون سوابق کیفری و وضعیت معاش مجرم در تعیین مجازات می‌پردازد.

3. United States v. Valdez-Arieta, 127 F.3d 1267, 1269 (10th Cir. 1997)



دیگری در فروش مواد مخدر غیر قانونی شراکت داشت. دادگاه بدوی متهم را به دو درجه تشدید مجازات بر اساس بند ۳۰ دستورالعمل ... به عنوان سازمان دهنده فعالیت توزیع مواد محکوم نمود. به علاوه در ایالات متحده میان سردسته و بانی با مدیر و سرپرست تفکیک قائل شده و دسته اول را مشمول تشدید سنگین تر مجازات قرار داده‌اند.

در حقوق ایران همانطور که گفته شد تحقق عنوان گروه مجرمانه با بیش از دو نفر عضو، برای تشدید مجازات سردسته کفایت کرده و تعدد اعضای گروه از منظر قانون‌گذار به عنوان عاملی مجزا برای تشدید مجازات دیده نشده است. به نظر نگارنده تعداد اعضای گروه می‌تواند یکی از معیارهای تشدید مجازات باشد چرا که منصفانه نیست کسی که با تشکیل یه گروه سه نفری دست به ارتکاب جرم می‌زند معادل سردسته گروه‌های مجرمانه بزرگ با تشکیلات و سازمان دهی مفصل با یک میزان تشدید قانونی مواجه باشد. مسلماً دسته‌های بزرگ، جرائم سنگین در دستور کار و ... خطرات بیشتری را متوجه اجتماع و بزه دیدگان بالقوه می‌نمایند و تعیین درجه تشدید بر اساس چنین مواردی مطلوب، کارآمد و منصفانه تر خواهد بود.

۲.۱.۱. سازمان یافتگی (انسجام گروه)

گرچه قانون‌گذار در تبصره یک ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی و در مقام ارائه تعریف از گروه مجرمانه به واژه سازمان یافتگی اشاره نکرده است اما عبارت «گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر» در متن این تبصره و نیز واژه سازمان یافته در عنوان این فصل از قانون به نوعی اشاره به سازمان یافتگی گروه دارد. در ادبیات حقوقی تعاریف مختلفی از گروه‌های مجرمانه سازمان یافته ارائه شده است. برای نمونه پلیس بین‌الملل در تعریف ۱۹۹۸ خود هر گروه که دارای ساختاری منسجم با هدف کسب پول از طریق فعالیت‌های غیر قانونی و انجام اقدامات فساد یا ارباب باشد را گروه مجرمانه سازمان یافته دانسته است (بیابانی، ۱۳۸۷: ۷۱). تعریف دیگری که مورد وفاق جرم شناسان است، جرم سازمان یافته را اقدام مجرمانه مستمری دانسته که برای کسب سود و منفعت از طریق فعالیت‌های غیر قانونی انجام می‌شود. کوتاه‌ترین تعریفی که از جرائم سازمان یافته ارائه شده است عبارت است از اینکه: «فعالیت مجرمانه مستمری که با هماهنگی صورت می‌گیرد» (Cressy, 1969: 304 & Albense, 1989: 5).

کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرائم سازمان یافته و فراملی^۱ مصوب سال ۲۰۰۰ که به کنوانسیون پالرمو معروف است، جرم سازمان یافته را به جرائم شدید یا جرائم خاص پیش بینی

1. Convention Against Transnational Organized Crimes 2000, art 2

شده در کنوانسیون اطلاق کرده است که توسط گروهی متشکل از سه نفر یا بیشتر با هدف تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم منفعت مالی یا مادی برای مدتی ارتکاب می‌یابند.^۱

بدین ترتیب می‌توان جرم سازمان یافته به معنای خاص را فعالیت‌های غیر قانونی و هماهنگ گروهی منسجم از اشخاص که با تبانی با هم و برای تحصیل منافع مادی و قدرت، به ارتکاب مستمر جرم پرداخته و برای رسیدن به هدف از هر نوع ابزار مجرمانه نیز استفاده می‌کنند، دانست (شمس ناتری، ۱۳۸۰: ۱۳-۲۵).

امروزه جرائم سازمان یافته در سطوح مختلف داخلی، منطقه ای و فراملی واقع شده و دولت‌ها در راستای حفظ نظم عمومی و امنیت خود به کمک قانون و ابزارهای قانونی به مقابله با این جرائم می‌پردازند.

با وجود تعاریفی از جرم سازمان یافته، میان نویسندگان حقوقی در خصوص شرایط و کیفیات تحقق این عنوان اتفاق نظر وجود ندارد. به زعم برخی از نویسندگان، اصطلاح جرائم سازمان یافته در متون حقوقی ناظر به جرایمی است که از چند ویژگی شبکه‌ای بودن (طراحی و برنامه ریزی هماهنگ)، فراملی بودن، شدت عمل و کسب منافع اقتصادی برخوردار باشند (میلانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). بدین ترتیب جرایمی که فاقد جنبه فراملی بوده و داخلی هستند از شمول جرائم سازمان یافته خارج‌اند. دسته دیگری از حقوق دانان و بر اساس متون بین المللی مربوط به جرائم سازمان یافته و بخصوص کنوانسیون پالرمو معتقدند که برای تحقق جرم سازمان یافته به مفهوم خاص، سازمان یا گروه و نیز خود جرم باید واجد ویژگی‌هایی باشند. از جمله این که، گروه باید غیر ایدئولوژیک و واجد سلسله مراتب بوده و از ارباب و خشونت استفاده کند. بعلاوه استمرار جرم در زمان و نیز ارتکاب فساد اداری نیز ویژگی‌های دیگری هستند که برای گروه مجرمانه بر شمرده شده‌اند. ویژگی جرم ارتكابی نیز شدت آن است. چرا که در کنوانسیون پالرمو پیش بینی شده است که تنها جرایمی مشمول ضمانت اجرای کنوانسیون قرار می‌گیرند که توسط سازمان مجرمانه ارتکاب یافته و دارای مجازاتی با حداقل چهار سال حبس باشند (کنوانسیون علیه جرائم سازمان یافته فرا مرزی)^۲. بدین ترتیب تنها ویژگی جرم سازمان یافته که مربوط به ماهیت جرم است، شدید بودن آن است (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۴). دیدگاه دوم با واقع مطابق تر است و از

۱. لازم به ذکر است که لایحه الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی (موسوم به کنوانسیون پالرمو) به دلیل وجود اختلاف نظر بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و طبق اظهار نظر سخنگوی شورای نگهبان، جهت بررسی نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شده است.

(<https://www.isna.ir/news/97052815046>)

2. Convention Against Transnational Organized Crimes 2000, art 2, par.b

همین روست که در متون مربوط به جرائم سازمان یافته از جرائم سازمان یافته ملی و فراملی صحبت شده است.

در ارتباط با کیفیت مشدده سردستگی با این پرسش مواجهیم که منظور از سازمان یافتگی و انسجام گروه در این مقوله چیست؟ و آیا سازمان یافتگی و انسجام در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی کاملاً منطبق بر عنوان جرائم سازمان یافته است؟ به نظر می‌رسد که پاسخ این پرسش منفی است. در واقع وجود یک گروه که دارای تشکیلات منسجمی بوده و از وجود یک سلسله مراتب، تقسیم کار و نیز فردی به‌عنوان رهبر یا سردسته برخوردار باشد گرچه از ارباب و خشونت یا فساد اداری نیز استفاده نکنند، می‌تواند موجب احراز عنوان گروه مجرمانه و تعلق عنوان سردسته به رهبر گروه شود. در واقع مفهوم سازمان یافتگی در ماده ۱۳۰ قانون مجازات وسیع‌تر از جرم سازمان یافته به مفهوم خاص است. نکته دیگر این که همانطور که در تعاریف مختلف از گروه‌های مجرمانه سازمان یافته دیدیم، استمرار فعالیت یکی از شرایط اطلاق عنوان به آن‌ها است و مسلماً ارتکاب یک یا دو فقره جرم، استمرار فعالیت مجرمانه را نشان نمی‌دهد. برخی حقوقدانان نیز بر همین اساس، استمرار و تداوم فعالیت‌های مجرمانه را از ویژگی‌های گروه مجرمانه سازمان یافته و شرط اطلاق عنوان سردستگی بر مدیر و مؤسس گروه می‌دانند. بر طبق این نظر، «سازمان یافتگی یک گروه مجرمانه متضمن برخورداری از یک ساختار تشکیلاتی، تقسیم کار و تحصیل نفع مالی است. استمرار و تداوم فعالیت‌های مجرمانه از ویژگی‌های این گروه به شمار می‌رود. سلسله مراتبی نیز در بین اعضای گروه دیده می‌شود که خود حکایت از قدرت و آمریت سازمان دهندگان و اداره کنندگان این تشکیلات می‌کند» (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۷۸). با این حال شاید بتوان گفت که از متن ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های دوگانه آن لزوماً چنین برداشتی نمی‌شود. به دیگر بیان، از عبارت «گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود...». ضرورت استمرار فعالیت مجرمانه قابل استنباط نیست و به نظر می‌رسد حتی اگر کسی گروهی را برای ارتکاب یک جرم تشکیل دهد یا طراحی و یا اداره نماید با وجود سایر شرایط مقرر در ماده اطلاق عنوان سردسته بر وی و تشدید مجازات او خلاف قانون نباشد.^۱ گرچه به طور

۱. صاحب نظران در حوزه جرائم سازمان یافته برای این جرائم ویژگی‌هایی از قبیل لزوم توسل به خشونت، ضرورت تحصیل منافع مادی، استمرار منافع، تلاش برای به دست آوردن انحصار اقتصادی و نفی رقابت سالم، تطمیع و فساد، روابط نزدیک عاطفی یا خانوادگی اعضا، تعداد افراد دخیل، تخصص‌گرایی و شدت جرائم و مجازات‌ها را بر شمرده‌اند (میر کمالی و عباس زاده، ۱۳۹۲: ۱۷۸). (از منظر جرم‌شناسی مشارکت جنایی مستلزم شکل‌گیری فعالیت گروهی است و بر سه الگوی مشارکت سازمان یافته، مشارکت مبتنی بر تبانی و مشارکت ناخواسته مبتنی است. از این چشم‌انداز، سازمان مجرمانه یا شرکت سهامی ارتکاب جرم، محصول اجتماع گروهی حداقل سه نفره از اشخاص حقیقی است که به واسطه مهارت و تخصص خویش و با هدف استمرار فعالیت در زمان، به شکل منسجم و بر اساس اصل سلسله



معمول گروه‌هایی که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شوند، استمرار فعالیت مجرمانه را در سر می‌پروانند. این دیدگاه هر چند با ایراد تفسیر موسع مواجه است اما سوابق قانون‌گذاری ما در باب سردستگی آن را تأیید و تقویت می‌کنند.^۱

در ایالات متحده در این خصوص موضع صریحی اتخاذ نشده است و اگرچه آرای موجود اکثراً حاکی از محکومیت سردستگان گروه‌های مجرمانه ایست که نوع جرم ارتكابی و سایر شرایط پرونده‌شان نشان از تداوم و استمرار فعالیت مجرمانه دارد، آرائی نیز دیده می‌شود که این قاعده را رعایت نکرده‌اند. برای نمونه در یک پرونده متهم به همراه شش مرد دیگر توسط گارد ساحلی ایالات متحده و در یک قایق بدون پرچم و در حالی که حدود ۱۰۰۰۰ پوند ماری جوانا را حمل می‌کردند، دستگیر شد. با اینکه متهمین در اظهارات خود بیان داشتند و از شواهد هم بر می‌آمد که آن‌ها برای بار اول دست به ارتکاب جرم زده‌اند، دادگاه یکی از متهمین را به‌عنوان سردسته به مجازات مشدد محکوم نمود. اطلاق این عنوان بر متهم مورد بحث براساس شواهد و قرائنی صورت گرفت که قدرت واضحی که وی در چارچوب گروه داشت را آشکار می‌نمود. برای مثال او طرف صحبت گارد ساحلی قرار گرفت و پاسخ سؤالات آن‌ها را داد و اجازه ورود و تفتیش کشتی را صادر کرد و (United States v Piedrahita-Santiago)^۲. گرچه در اکثر پرونده‌های مربوط به سردستگی، گروه‌های مجرمانه ای دیده می‌شوند که ارتکاب جرم را به عنوان یک فعالیت مستمر هدف خود قرار داده‌اند و استمرار فعالیت مجرمانه از خصائص آن‌ها است.

مراتب، گردهم آمده و معمولاً در پی کسب فواید مالی از اعمال خویش می‌باشند. در مقابل، مشارکت جنایی مبتنی بر تبانی را محصول اجتماع حداقل دو نفر می‌دانند که در یک بازه زمانی مشخص گرد هم آمده و نقشه ارتکاب یک یا چند جرم معین را از پیش طراحی می‌کنند. اعضای گروه مذکور، پس از دستیابی به اهداف توافق شده از یکدیگر جدا شده و با از سرگیری حرفه و فعالیت به هنجار سابق خویش، دوباره به آغوش جامعه باز می‌گردند. با این وجود، همواره آماده‌اند برای همکاری و انجام توافقات جدید، مجدداً گرد یکدیگر جمع شوند. سومین الگوی مشارکت جنایی، همکاری یا مداخله ناخودآگاه و ناخواسته است. همکاران ناخودآگاه، آن دسته از آشنایان ناسازگار مجرم هستند که ناخواسته، ارزش‌های معارض، فنون ارتکاب جرائم و راهکارهای توجیه اعمال مجرمانه را به وی انتقال می‌دهند (محمدی و عباس زاده امیرآبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۳-۱۳۸). به نظر نگارنده غیر از الگوی مشارکت ناخودآگاه و ناخواسته که هیچ‌گونه انسجام و سازمان یافتگی در آن قابل تصور نیست، دو الگوی مشارکت سازمان یافته و مبتنی بر تبانی واجد انسجام و سازمان یافتگی هستند و می‌توان در خصوص سردسته آن‌ها ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی را اعمال نمود. البته یک تفسیر مضیق و محدود از ماده ۱۳۰ می‌تواند منتهی به این نتیجه شود که اعمال تشدید مجازات مقرر برای سردسته صرفاً بر مشارکت سازمان یافته و صرفاً گروه‌هایی که بتوان جرائم آن‌ها را جرم سازمان یافته دانست قابل اعمال است. ۱ به صفحه ۸ همین مقاله رجوع شود.

2. United States v. Piedrahita-Santiago, 931 F.2d 127 (1st Cir. 1991)

۲.۱. سیر قانون گذاری کیفیت مشدده سردستگی

سردستگی به عنوان یک کیفیت مشدده در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ جایگاهی نداشت. بعدها در اصلاحاتی که در سال ۱۳۵۲ در قانون مجازات عمومی به عمل آمد، قانونگذار ماده ۳۰ را به سردستگی اختصاص داد. ماده مذکور مقرر می‌داشت: «مجازات شخص یا اشخاصی که اداره یا سردستگی دو یا چند نفر را در ارتکاب جرم به عهده داشته باشند اعم از این که عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت باشد حداکثر مجازات آن جرم خواهد بود مگر اینکه در قانون مجازات خاصی تعیین شده باشد». بعد از انقلاب و در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ ماده ۴۵ این قانون در خصوص سردستگی مقرر می‌داشت: «سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت باشد، از علل مشدده مجازات است». در این قانون همانطور که از متن ماده بر می‌آید قانونگذار بدون اشاره به میزان تشدید مجازات سردسته، صرفاً سردستگی را یک کیفیت مشدده دانسته و تصمیم گیری در خصوص میزان تشدید مجازات را به اختیار قاضی صادر کننده حکم واگذار کرده بود. اعطای چنین اختیاری به قاضی بی آنکه محدوده آن توسط قانونگذار روشن شده باشد از ایرادات وارد بر این ماده قانونی بود و البته این ایراد در خصوص کیفیات مشدده ای همچون تکرار و تعدد جرم نیز وجود داشت. در نهایت با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همانطور که در پیش گذشت، قانون گذار در ماده ۱۳۰ برای سردسته گروه مجرمانه در جرائم تعزیری، حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی توسط اعضا در راستای اهداف گروه و در جرائم مستوجب حد، قصاص و دیات، حداکثر مجازات معاونت در آن جرم را پیش بینی نموده است. این ماده قانونی با تعیین مجازات روشن برای سردسته از ایراد قانون پیشین بری است. در واقع در قانون سابق، نوع و میزان تشدید مجازات در اختیار قاضی رسیدگی کننده بود بی آنکه قانونگذار دامنه ای برای آن تعیین کرده باشد. حال آن که به موجب ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، قضات در جرائم تعزیری مکلف به تعیین حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی توسط اعضا در راستای اهداف گروه برای سردسته شده‌اند. گویا قانونگذار سردسته را فاعل معنوی شدیدترین جرم می‌داند بی آنکه چنین موضعی، مجازات فاعل مادی جرم را تحت تأثیر قرار دهد. چنین اقدامی از سوی قانونگذار در راستای تحقق عدالت بوده و با توجه به نقش برجسته سردسته گروه، منصفانه به نظر می‌رسد. سردسته، موتور دستگاه مجرمانه بوده و در ارتکاب جرم نقش بسیار مهمی دارد. فلذا طبیعی است که اجرای عدالت در این شرایط، مستلزم اعمال مجازات شدیدتری است (افشاری، ۱۳۹۳: ۵۵). بر این اساس، گرچه رفتارهای مذکور در تبصره ۲ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی یعنی تشکیل، طراحی، سازماندهی و اداره گروه مجرمانه ماهیتاً معاونت در جرم هستند (حاجی ده آبادی، پیشین: ۲۶)، قانونگذار از تعیین مجازات معاون برای سردسته اجتناب کرده و با تعیین

مجازات سنگین تر در صدد پیشگیری از ارتکاب جرم گروهی و سازمان یافته برآمده است. ملاک تشخیص شدیدترین جرم ارتكابی نیز بر اساس قواعد کلی حقوق جزا، مجازات قانونی جرم ارتكابی است (اردبیلی، ۱۳۹۳، ج ۳، ۱۹۲-۱۹۴). فلذا در بحث مورد نظر ما نیز جرمی که سنگین‌ترین مجازات را دارد، شدیدترین جرم ارتكابی خواهد بود.^۱ نکته مهم این که ممکن است سردسته در عنصر مادی جرم یا جرائم ارتكابی دخالت داشته باشد. این مسأله تأثیری در انتساب کیفیت مشدده سردستگی به وی ندارد و صرفاً موضوع را از حیث شمول قاعده تعدد جرم حائز اهمیت می‌سازد. لذا در حالتی که سردسته در ارتكاب رکن مادی جرم یا جرائم ارتكابی به همراه اعضای گروه دخالت داشته باشد، علاوه بر عنوان سردستگی به سایر عناوین ارتكابی نیز محکوم خواهد شد و بدین ترتیب با لحاظ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی و قواعد تعدد جرم، مجازات می‌شود. لازم به ذکر است که برخی حقوق دانان، سردسته گروه مجرمانه را مستحق مجازات همه جرائم ارتكابی توسط اعضای گروه در راستای اهداف آن دانسته و موضع قانون‌گذار را اغماض آمیز می‌دانند (حاجی ده آبادی، پیشین: ۲۷). البته قانون‌گذار در حدود (بجز حد محاربه و افساد فی الارض)، قصاص و دیات رویکرد دیگری داشته و در این جرائم برای سردسته حداکثر مجازات معاونت در جرم را پیش بینی کرده است. بدین ترتیب شاید بتوان گفت که قانون‌گذار در جرائم تعزیری، با توجه به نقش برجسته سردسته در ارتكاب جرم، سنگین‌ترین جرم را به وی مستند کرده و او را مستحق مجازات این جرم می‌داند. ضمن این که در جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه، با توجه به مبانی شرعی، وجود محدودیت‌های خاص و عدم امکان استناد این جرائم به سردسته‌ای که در عنصر مادی جرم مشارکت نداشته و صرفاً رفتارهای تشکیل، طراحی، سازماندهی و یا اداره گروه بر عهده وی بوده است، قانون‌گذار برخوردی متفاوت را اتخاذ و سردسته را معاون این جرائم قلمداد کرده است. در واقع رفتار سردسته، ماهیتاً معاونت است و در این جرائم قانونگذار حداکثر مجازات معاونت را برای وی در نظر گرفته است.

در حقوق داخلی، علاوه بر قانون مجازات اسلامی در قوانین پراکنده نیز می‌توان مواردی از توجه و تاکید قانونگذار بر نقش سردسته گروه و لحاظ مجازات مشدد برای وی را دید. چنین موضعی در قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و نیز قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، مشهود است. برای نمونه می‌توان به مواد ۲۱۸ و ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر^۲، تبصره

۱. در این خصوص ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن و نیز ماده ۲۷ همین قانون برای تشخیص مجازات سنگین تر راهگشا هستند.

۲. ماده ۱۸: هرکس برای ارتكاب هر یک از جرائم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند یا به خدمت گمارد و یا فعالیت آن‌ها را سازماندهی و یا مدیریت کند و از فعالیت‌های مذکور پشتیبانی مالی یا سرمایه‌گذاری نماید، در مواردی

ماده ۲۲۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و نیز ماده ۳۷ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ اشاره نمود.^۴

در ایالات متحده به رسمیت شناختن عنوان سردستگی به قانون جامع کنترل جرم ۱۹۸۴ بر می‌گردد. تا قبل از تصویب این قانون، دادگاه‌ها معمولاً مجازات زندان را به شکل نامعین تعیین کرده و قدرت تعیین دوره واقعی حبس و آزادی مشروط را به کمیسیون آزادی مشروط اعطا می‌کردند (Stith & Koh, 1993, 223-281, n. 367). که در عمل به مجازات‌هایی با زمان کوتاه منتهی می‌شد به نحوی که عدم تناسب میان جرم و مجازات کاملاً مشهود بود و عده‌ای قائل به آفت زده شدن سیستم قضایی شده بودند (Scordato, op.cit: 1064). همین امر منتهی شد به

که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم و در سایر موارد به حداکثر مجازات عمل مجرمانه، محکوم می‌شود. مجازات سرکرده یا رئیس باند یا شبکه اعدام خواهد بود.

۱. ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶: مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم مفسد فی الارض می‌باشند و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روانگردان محکوم و در غیر این صورت حسب مورد «مشمولین به اعدام» به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه دو و در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرائم مواد مخدر و روان گردان محکوم می‌شوند.

الف - مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند

منظور از سلاح در این بند، سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ می‌باشد

ب - در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانبین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.

۲. ماده ۲۸ قانون قاچاق کالا و ارز: در صورتی که قاچاق کالاها ممنوع به نحو سازمان یافته ارتکاب یابد، مرتکب علاوه بر جزای نقدی مندرج در ماده (۲۲) این قانون به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

الف- در خصوص بند (الف) ماده (۲۲) به نود و یک روز تا شش ماه حبس

ب- در خصوص بند (ب) ماده (۲۲) به بیش از شش ماه تا دو سال حبس

پ- در خصوص بندهای (پ) و (ت) ماده (۲۲) به حداکثر مجازات حبس مندرج در بندهای مذکور

تبصره- کسانی که در ارتکاب جرائم این ماده نقش سازماندهی، هدایت و یا سردستگی گروه سازمان یافته را برعهده دارند، حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در بندهای (الف) و (ب) محکوم می‌شوند

۳. ماده ۷ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم: سردستگی، سازماندهی یا هدایت دو یا چند شخص در ارتکاب جرائم موضوع این قانون اعم از اینکه عمل آنان مباشرت یا معاونت در جرم باشد و همچنین ارتکاب جرائم مذکور به صورت سازمان یافته، از علل مشدده مجازات محسوب می‌شود و مرتکب مشمول ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

رژیم جدید مجازات‌های فدرال که با هدف متناسب سازی رویه‌های قبل تدوین شدند. قانون ۱۹۸۴ در راستای رسیدن به این هدف، با پیش بینی قواعدی راه را برای طرح دستور العمل های خاص در خصوص مجازات محکومین در سیستم عدالت کیفری فدرال باز کرد.^۱

کمیسیون مجازات ایالات متحده مسئول طرح دستورالعمل شد و کار این کمیسیون پس از تحقیق و مشاوره‌های بسیار در نوامبر ۱۹۸۷ منتشر شد. در دستورالعمل مذکور پیش بینی شد که مجازات‌های کیفری فدرال محصول مجموعه پیچیده ای از عوامل هستند که بعضی بر ویژگی‌های خاص جرائم ارتکاب یافته از سوی متهمان و برخی دیگر بر ویژگی‌های خاص خود متهمان تکیه می‌کنند. در میان طیف اخیر که بر ویژگی‌های خاص متهمان تمرکز دارند، به نقشی که متهم در ارتکاب جرم به‌عنوان بانی، سردسته، مدیر یا سرپرست یک گروه مجرمانه داشته اشاره شده و آن را به‌عنوان یک نقش مشدده که می‌تواند موجب تشدید مجازات فرد شود، برجسته کرده‌اند.^۲

۲. شرایط تحقق عنوان سردسته

همانطور که در مباحث پیشین گذشت، قانون‌گذار در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی کیفیت مشدده سردستگی را پیش بینی کرده است ولی در این ماده از شرایط اطلاق عنوان سردسته بر یک فرد سخنی به میان نیامده است. تنها متن قانونی راهنما تبصره ۲ ماده ۱۳۰ است که در بیان تعریفی از سردستگی آن را تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه دانسته است. بدین ترتیب و بر اساس این تبصره قانونگذار چهار دسته از افراد را مشمول عنوان سردسته دانسته است: کسی که گروه را تشکیل داده و بانی آن می‌باشد. کسی که طرح شکل دادن گروه را در سر پرورنده و در واقع به‌عنوان مغز متفکر گروه، آن را طراحی کرده است. کسی که گروه را سازماندهی کرده و بین اعضا هماهنگی ایجاد می‌کند و در نهایت کسی که گروه مجرمانه را اداره کرده و سایر اعضای گروه از وی حرف شنوی داشته و خود را ملتزم دانسته که از فرامین وی تبعیت کنند (عدالتخواه، ۱۳۹۲: ۳۶۹). باوجود این مفهوم و شرایط تحقق این عنوان چندان روشن نیست و مسلماً محاکم در عمل و در مواجهه با پرونده‌های مرتبط با این عنوان با سؤالات و ابهامات زیادی مواجه خواهند شد به دیگر بیان، متن تبصره ۲ ماده ۱۳۰ کلی بوده و در بسیاری از موارد پاسخگوی پرسش‌ها و ابهامات موجود در خصوص تحقق یا عدم تحقق سردستگی نیست.

1. U.S. Sentencing Comm'n, Other Stakeholders' Views on Sentencing Reform, in Report on the Continuing Impact of UNITED STATES V. BOOKER on Federal Sentencing pt. F. at 1 (2012)

2. An Overview of the United States Sentencing Commission, U.S. Sentencing Comm'n, http://www.ussc.gov/sites/default/files/pdf/about/overview/USSC_Overview.pdf

در ایالات متحده نیز طرح و تصویب دستورالعمل مجازات فدرال که رسماً بر اساس نوع رفتار مرتکب (بانی و سردسته یا مدیر و سرپرست) و تعداد اعضای گروه برای وی تشدید مجازات را پیش بینی کرده بود، دادگاه‌ها را بدین سمت سوق داد که سردسته بودن چه معنایی دارد؟ در این خصوص هزاران عقیده منتشر شده (و بعضاً منتشر نشده) از دادگاه‌های فدرال وجود دارد که به این موضوع پرداخته‌اند. بررسی این پرونده‌ها و عقاید موجود در آن‌ها زمینه ساز دستیابی به کیفیات و ویژگی‌هایی است که محاکم آن‌ها را از شرایط لازم برای تحقق عنوان سردستگی دانسته‌اند.^۱ ذیلاً علاوه بر بررسی حقوق داخلی، با استفاده از پرونده‌های کیفری مذکور به بررسی شرایط تحقق عنوان سردستگی از منظر محاکم امریکا می‌پردازیم. ضمن این‌که، قبل از بررسی کیفیات تعیین کننده سردستگی، پاسخگویی به پرسش‌هایی همچون لزوم یا عدم لزوم حضور فیزیکی سردسته در گروه، امکان تحقق عنوان سردسته بر بیش از یک فرد در گروه و... لازم است که در چند عنوان مجزا به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱.۲. حضور فیزیکی سردسته در گروه

یکی از مهم‌ترین ابهامات در خصوص سردسته ضرورت یا عدم ضرورت حضور فیزیکی وی در گروه است. پرسش این است که برای اطلاق عنوان سردسته بر یک شخص حضور فیزیکی وی در گروه لازم است؟ به نظر می‌رسد که در حقوق ایران پاسخ منفی است. در واقع می‌توان گفت که حضور فیزیکی سردسته در گروه لازم نیست و می‌شود فردی را که در گروه و فعالیت مجرمانه حضور و دخالتی نداشته با احراز شرایط دیگر سردسته گروه مجرمانه تلقی کرد. مذاقه در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن، ما را به همین نتیجه رهنمون می‌سازد. تعیین حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای گروه در راستای اهداف آن گروه مرتکب می‌شوند برای سردسته گروه مجرمانه از سوی قانونگذار حاکی از این است که قانونگذار نه تنها حضور سردسته در گروه را برای اعمال این مجازات ضروری نمی‌داند بلکه دخالت وی در جرم ارتكابی را هم، شرط نمی‌داند. ضمن اینکه در گروه‌های مجرمانه معمول تر است که سردسته گروه گرچه نقش محوری و اساسی را در گروه ایفا می‌کند اما نوع و نحوه فعالیتش به شکلی است که پنهان از دید همگان است. در واقع این افراد اعضای گروه را وادار به فعالیت‌های پرخطر کرده و خود در زاویه ای امن به جمع آوری سود حاصل از فعالیت آنان مشغول می‌شوند. با این همه این امکان نیز منتفی نیست که در گروه مجرمانه‌ای سردسته حضور فیزیکی فعالی در گروه و حتی در فعالیت مجرمانه داشته باشد.

1. American Law Reports Fed. 2d, 2010

بررسی آراء و پرونده‌های مرتبط با سردستگی در حقوق آمریکا نیز، راهگشاست. از منظر محاکم، برخی ویژگی‌ها سلبی هستند. بدین معنا که وجودشان برای اطلاق عنوان سردسته به فرد ضروری نیست. از جمله این که: حضور فیزیکی و منظم یک شخص در میان اعضای گروه شرط ضروری اطلاق عنوان سردستگی به وی نیست (United States v Tokhtakhounov).^۱

به دیگر بیان، یک شخص می‌تواند سردسته یک گروه مجرمانه شناخته شود بی آنکه حضور فیزیکی دائمی و منظمی در میان اعضای گروه داشته باشد. در تأیید این مسأله در یکی از آراء آمده است: «سردسته‌ها در فرایند توزیع مواد مخدر اغلب از زیردستانی به عنوان رابط یا میانجی استفاده می‌کنند تا درگیری آن‌ها در این فرایند، پوشیده بماند (United States v Soto-Lara).^۲ در پرونده مشابهی نیز قید شده است که «ضروری نیست که سردسته همیشه در میان اعضای گروه فعالیت کند (United States v Damato).^۳ در این پرونده که متهمان درگیر توزیع غیر قانونی مواد مخدر بودند، دادگاه عنوان داشت که گرچه اعضا در توزیع مواد درگیر شده‌اند، عدم درگیری سردسته در این کار باعث سلب این عنوان از وی نمی‌شود (United States v Soto-Lara).

۲.۲. حامی مالی گروه مجرمانه

ابهام دیگر امکان یا عدم امکان اطلاق عنوان سردسته بر حامی مالی گروه مجرمانه است. در حقوق آمریکا، محاکم دریافتند که صرف کنترل بر اموال، به تنهایی مرتکب را مستحق عنوان سردسته نمی‌سازد (United States v Miller).^۴ حتی اگر اموال مورد بحث برای ارتکاب جرم حیاتی بوده و یا آن اموال تنها موجودی و دارایی گروه باشند که موتور فعالیت مجرمانه را به حرکت در می‌آورند، باز هم مالکیت یکی از مرتکبین بر آن اموال یا کنترل وی بر آن‌ها به تنهایی برای اعطای عنوان سردسته به وی کافی نیست. در واقع از منظر محاکم کنترل فرد بر دیگر اعضای گروه در اعطای عنوان سردسته به وی، از کنترل وی بر اموال تعیین کننده تر است. صرف نظر از اهمیت حیاتی که اموال مورد بحث ممکن است برای فعالیت مجرمانه داشته باشند. پرونده راهنما در این خصوص پرونده United States v Miller است. در این پرونده فردی به نام جیم آلفرد میلر متهم به چندین فقره توزیع مواد مخدر بود. یکی از مشتریان دائمی میلر شخصی به نام دان رو^۵، یک دلال بود که مواد مخدری را که از میلر می‌خرید به دیگران می‌فروخت. پس از احراز تقصیر میلر

1. United States v. Tokhtakhounov, 607 F. App'x 8, 14 (2d Cir. 2015)
2. United States v. Soto-Lara, 60 F. App'x 834, 835 (1st Cir. 2003)
3. United States v. Damato, 672 F.3d 832, 847 (10th Cir. 2012)
4. United States v. Miller, 91 F.3d 1160, 1164 (8th Cir. 1996)
5. Don Roe

توسط هیئت منصفه، دادگاه بدوی حکم داد که میلر سردسته یک گروه مجرمانه است و همین برای تشدید ۴ درجه ای مجازات او کافی است و بر این اساس میلر را به ۲۴ سال و ۴ ماه حبس محکوم نمود (Ibid at 1162). در بازنگری رأی، دادگاه پژوهش عنوان داشت که «گرچه متهم میلر به احتمال زیاد می‌دانسته است که مواد مخدری که به همدستانش می‌فروشد، به طور معمول، توسط آن‌ها دوباره به فروش می‌رسند، صرف کنترل وی بر این اموال او را سردسته یا سازمان دهنده نمی‌سازد (Ibid at 1164). همین‌طور دادگاه پژوهش اضافه نمود که «متهم باید کاری بیشتر از فروش مواد برای فروش دوباره آن‌ها انجام داده باشد تا عناوین ذکر شده بر وی صدق کنند (Ibid at 1164). بدین ترتیب گرچه محکومیت میلر تأیید شد اما مجازات وی نقض و تعیین آن به دادگاه بدوی سپرده شد. نظیر این اتفاق در پرونده دیگری رخ داد که در آن متهم و شریکش با تأسیس یک شرکت کار گذاری اقدام به کلاهبرداری کرده بودند (United States v Ronning).^۱ دادگاه بدوی مردد بود که متهم را به‌عنوان سردسته و سازمان دهنده به موجب بند (۱) به ۴ درجه تشدید مجازات محکوم کند و یا وی را به موجب بند (۲) به‌عنوان مدیر به سه درجه تشدید مجازات محکوم نماید (Ibid). در نهایت از رأی دادگاه چنین استنباط می‌شود که صرف کنترل بر اموال در یک فعالیت مجرمانه فرد را مستحق عنوان سردسته نمی‌سازد و بلکه شاید بتوان وی را حداکثر به عنوان مدیر محکوم نمود (Ibid). از این رأی و آرای مشابه این نکته هم برداشت می‌شود که محاکم بر اساس دستورالعمل صادره از کمیسیون مجازات، میان مدیر و سردسته تمایز قائل‌اند. و در خصوص کسی که صرفاً کنترل بر اموال گروه دارد، نه عنوان سردسته بلکه عناوین سبک‌تری همچون مدیر را در راستای اعمال تشدید مجازات سبک‌تر در نظر می‌گیرند.

در پرونده ایالات متحده علیه رانینگ به نحو واضحی بیان شده است که: «تمایزی میان مدیر و سردسته در چارچوب گروه وجود دارد (ibid)». بر اساس این دیدگاه‌ها یک شخص می‌تواند به نحو موفقیت آمیزی به‌عنوان مدیر در چارچوب یک گروه عمل کند بی‌آنکه به‌عنوان سردسته شناخته شود. به‌عنوان نمونه می‌توان به پرونده ای اشاره کرد که در آن متهم، جوان بزهکاری بود که شرکای خود را در یک گروه مجرمانه که با هدف سرقت مسلحانه وسایل نقلیه تشکیل شده بود، سازماندهی و مدیریت کرده بود (United States v Lopez-Urbina).^۲ وی با ادعای پادو بودن در گروه، تشدید مجازات اعمال شده توسط دادگاه بدوی را که با اعطای عنوان مدیر و سرپرست گروه مجرمانه به وی اعمال شده بود، زیر سؤال برد (Ibid). دادگاه تجدید نظر ضمن تحلیل تجدیدنظر خواهی متهم، عنوان داشت که متهم کسی است که مسئولیت مدیریت بر اموال، دارایی‌ها و

1. United States v. Ronning, 47 F.3d 710, 711 (5th Cir. 1995)

2. United States v. Lopez-Urbina, 434 F.3d 750, 755-56 (5th Cir. 2005)



فعالیت‌های سازمان مجرمانه را برعهده داشته و اجرا کرده است. وی حتی بر وسایل نقلیه سرقت شده کنترل داشته است در حالی که نقش سایر شرکا در آن زمان خاتمه می‌یافته است. شهود نیز شهادت دادند که وسایل نقلیه مسروقه توسط متهم در مکزیک به فروش می‌رفته‌اند. بر اساس ادله موجود دادگاه پژوهش نیز حکم به تشدید مجازات متهم به عنوان مدیر گروه مجرمانه داد (Ibid). در پرونده دیگری متهم با شخصی دیگر در فروش مواد مخدر غیر قانونی شراکت داشت. دادگاه بدوی متهم را به دو درجه تشدید مجازات بر اساس بند ۳ دستورالعمل، به عنوان سازمان دهنده فعالیت توزیع مواد محکوم نمود (United States v Valdez-Arieta)^۱. متهم در اعتراض به محکومیت خود استدلال نمود که او هرگز کنترلی بر شریک دیگر نداشته است. دادگاه پژوهش ضمن بررسی استدلال متهم عنوان داشت که تشدید مجازات متهم به عنوان سازمان دهنده مستلزم کنترل وی بر شریک دیگر نیست. گرچه احراز عنوان سردستگی نیازمند احراز چنین کنترلی هست (Ibid). دادگاه بیان داشت که: «یک متهم می‌تواند سازمان دهنده یک فعالیت غیر قانونی باشد بدون اعمال کنترل بر دیگر شرکت کنندگان در فعالیت» (Ibid). بدین ترتیب و بر اساس نظر دادگاه، یک متهم می‌تواند به عنوان سازمان دهنده بر اساس بند ۳ دستورالعمل مجازات شود در قبال ریختن طرح، مهیا کردن امکانات برای رسیدن به اهداف مجرمانه و هماهنگ کردن نظارت بر اجرا و تحقق توطئه بدون این که متهم کنترل سلسله مراتبی بر دیگر شرکا داشته باشد (Ibid).

در حقوق ایران، همانطور که از متن ماده ۱۳۰ و تبصره‌های آن و بویژه تبصره ۲ بر می‌آید، قانونگذار تمایزی میان سردسته با مدیر و سازمان دهنده قائل نشده است و بلکه سردستگی را شامل هر یک از این رفتارها می‌داند. نتیجه طبیعی چنین موضعی این است که هیچ تفاوتی در میزان مجازات میان مدیر، طراح، بانی یا سازمان دهنده گروه مجرمانه وجود ندارد و در صورت تعلق هریک از این عناوین بر مرتکب وی به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضا در راستای اهداف گروه مرتکب می‌شوند، محکوم خواهد شد. بر این اساس شاید بتوان کسی که کنترل اموال گروه را بر عهده دارد یا حامی مالی فعالیت مجرمانه است را، مشروط به اطلاق عناوینی همچون اداره گروه مجرمانه، مشمول مجازات سردسته دانست. با این وجود موضع حقوق امریکا منصفانه تر به نظر می‌رسد. پر واضح است که کسی که کنترل کلی بر افراد گروه دارد با کسی که صرفاً اموال گروه را مدیریت می‌کند به یک میزان قابل سرزنش نیستند. مؤسس و بانی گروه با کسی که امور داخلی گروه مجرمانه را اداره می‌نماید معادل هم قابل سرزنش نیستند فلذا این مسأله باید در میزان تشدید مجازات آن‌ها در نظر گرفته شود. نکته ای که در حقوق آمریکا مورد توجه قانونگذار واقع شده است. لازم به ذکر

1. United States v. Valdez-Arieta, 127 F.3d 1267, 1269 (10th Cir. 1997)

است که قانونگذار ما نیز در قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶ به طور خاص به نقش حامی مالی گروه مجرمانه توجه کرده و وی را همدردیف با سردسته گروه قلمداد نموده است. در ماده مذکور قانونگذار عبارات «پشتیبان مالی و سرمایه گذار» را بکار برده و افرادی را که با این نوع رفتار، گروه مجرمانه را در پیشبرد اهداف خویش یاری نمایند، معادل سردسته گروه قرار داده و برایشان تشدید مجازات مقرر نموده است. لازم به ذکر است که این ماده قانونی تنها ماده ای است که به حامیان مالی گروه های مجرمانه و نقش برجسته آن ها در ارتکاب جرم توجه داشته است. چنین اقدامی از سوی قانونگذار گامی مثبت در پیشگیری از ارتکاب جرائم مرتبط با مواد مخدر به شکل سازمان یافته تلقی می شود. با توجه به اهمیت نقش حامیان مالی در گروه های مجرمانه، شایسته است که قانون گذار در قانون مجازات اسلامی نیز با بکار بردن صریح عبارات پشتیبان مالی و سرمایه گذار گروه های مجرمانه راه را بر تفسیر قانون بسته و مجریان قانون را از شک و تردید رها سازد. نکته مهم اینکه از نحوه نگارش ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر چنین برداشت می شود که قانونگذار حامی مالی را نه سردسته و بلکه معادل آن دانسته است چرا که با بکار بردن واژه «یا» میان این دو تفکیک قائل شده است.

۳.۲. وجود بیش از یک سردسته در گروه

مسئله قابل بررسی دیگر، امکان یا عدم امکان الحاق عنوان سردستگی به بیش از یک فرد در گروه است. در این خصوص در حقوق ایران برغم عدم وجود صراحت قانونی، کاملاً قابل درک و پذیرش است که یک گروه مجرمانه توسط چند نفر سردسته که همانند هیئت مدیره یک شرکت عمل می کنند، اداره شود. رویه قضایی ما نیز موید این دیدگاه است. برای نمونه می توان به یک پرونده که در آن دو نفر هدایت و رهبری باند مجرمانه ای را بر عهده داشته و به شکل منسجم اقدام به ربایش بانوان و سرقت اموال همراه آن ها می نمودند، اشاره کرد. در رأی صادره توسط دادگاه انقلاب اسلامی شیراز در این پرونده با اشاره به جرائم این اشخاص آمده است: «دادگاه با عنایت به این که اقدامات گسترده متهمین ردیف اول و دوم در ربایش بانوان و هدایت و رهبری باندی مخوف به وسیله متهمین ردیف اول و دوم که به صورت کامل باعث تعرض و هجمه به جسم افراد و اموال آن ها گردیده و موجب ایجاد فضای رعب و وحشت شدید عمومی و ناامنی در جامعه گردیده و عملکرد آنان را از مصادیق بارز محاربه و مفسد فی الارض دانسته و هر دو را به سردستگی محکوم نموده است»، بدین ترتیب وجود بیش از یک سردسته در گروه امکان پذیر است.

در حقوق آمریکا نیز محاکم دریافته‌اند که یک گروه می‌تواند بیش از یک سردسته داشته باشد و از منظر آن‌ها سردستگی محدود بر یک شخص واحد در چارچوب گروه مجرمانه نیست و بدین ترتیب شناسایی یک فرد به‌عنوان سردسته در یک گروه، امکان به رسمیت شناختن دیگری را به همین عنوان منتفی نمی‌سازد. این سردستگان ممکن است مثل هیئت مدیره شرکت عمل کرده (United States v Evans)^۱ و یا منفرداً و کاملاً مستقل در سازمان رفتار نمایند (United States v Martínez-Medina)^۲. به علاوه محاکم عنوان داشته‌اند که نیازی نیست که مرتکب سردستگی را بر کل گروه اعمال نماید تا به عنوان سردسته شناخته شود (United States v Chavez)^۳. بلکه شخصی که خصایص سردسته را تنها نسبت به بخشی از کل فعالیت مجرمانه که بعضاً بخش کوچکی است اعمال نماید هم می‌تواند سردسته بشمار آید (Ibid). در یکی از پرونده‌ها، متهم مستحق تشدید مجازات به‌عنوان سردسته شناخته شد و بر اساس بند ۱ دستورالعمل مجازاتش تا ۴ درجه تشدید شد در حالی که تنها بر برادرش در گروه نظارت داشت (United States v Serrano)^۴. در پرونده دیگری دادگاه تجدید نظر عنوان داشت: «تشدید مجازات به عنوان سردسته تنها مستلزم احراز این نکته توسط دادگاه است که متهم حداقل بر یکی دیگر از شرکا نظارت کرده است، حتی نیازی به اشاره به مورد واقعی و عملی این نظارت نیست (United States v Aptt)^۵».

در ارتباط با موضع حقوق ایران در این خصوص به نظر می‌رسد که مفهوم سردسته فراتر از این است که کسی را که صرفاً بر یک فرد دیگر در گروه یا بر یک فعالیت جزئی نظارت دارد، به عنوان سردسته به رسمیت بشناسیم. در واقع بر اساس آنچه که از تبصره ۲ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی بر می‌آید برای اطلاق عنوان سردسته بر یک فرد یکی از رفتارهای تشکیل (مؤسس یا بانی)، طراحی، سازمان دهی یا اداره گروه مجرمانه باید به وی قابل انتساب باشد و به نظر می‌رسد نظارت بر یک بخش جزئی از فعالیت مجرمانه و یا بر یک فرد در شرایطی که گروه اعضای متعددی دارد، بر هیچ‌یک از عناوین ذکر شده منطبق نباشد. مفهوم تشکیل و طراحی کاملاً روشن است و سازماندهی و اداره گروه مجرمانه نیز ناظر بر کل گروه و فعالیت و نه بخشی جزئی از آن است.

۴.۲. کارکرد و نقش خارجی سردسته

مسئله قابل طرح دیگر، کارکردهای خارجی سردسته است. سردستگی از این منظر، متضمن کنترل، مراقبت و قرار گرفتن به‌عنوان واسطه تماس میان گروه مجرمانه به‌عنوان یک موجود مستقل و عناصر

1. United States v. Evans, 92 F.3d 540, 545 (7th Cir. 1996)
2. United States v. Martínez-Medina, 279 F.3d 105, 124 (1st Cir. 2002)
3. United States v. Chavez, 549 F.3d 119, 136 (2d Cir. 2008)
4. United States v. Serrano, 297 F. App'x 70, 71 (2d Cir. 2008)
5. United States v. Aptt, 354 F.3d 1269, 1287 (10th Cir. 2004)



مهم خارج از گروه است. در واقع دادگاه‌ها باید احراز نمایند که مرتکب میان گروه و عناصر خارج از آن ارتباط برقرار کرده است. در حقوق داخلی، گرچه شرایط تحقق سردستگی به طور جزئی و دقیق مورد بحث حقوق دانان قرار نگرفته است ولی شرایطی همچون قدرت و کنترل سردسته بر گروه یا تعامل با عناصر خارج از گروه در این مفهوم مستتر است. همانطور که ذکر شد، سازمان دهنده و اداره کننده گروه مجرمانه، سردسته تلقی و به مجازات مشدد مقرر در ماده ۱۳۰ محکوم می‌شود. روشن است که اداره گروه مجرمانه، هم امور داخلی گروه و هم روابط گروه با اعضا و عناصر خارج از گروه را که نقطه پیوند و ارتباطشان جرم و فعالیت مجرمانه است را پوشش می‌دهد. برای مثال گروه مجرمانه ای که به قاچاق کالا یا انسان مشغول اند، طبیعتاً می‌بایست با خریداران ارتباط برقرار کنند و اداره چنین رابطه ای را معمولاً سردسته یا سردستگان بر عهده دارند. شاید بتوان گفت که دلیل توجه خاص قانون‌گذار کشورمان به کیفیت مشدده سردستگی و تعیین مجازات خاص برای سردسته در قوانین پراکنده مورد اشاره همین امر است. جرایمی همچون قاچاق اعم از قاچاق کالا و ارز یا مواد مخدر ذاتاً نیازمند برقراری ارتباط با افراد خارج از گروه مجرمانه هستند و سردستگان و سازمان دهندگان گروه‌اند که مدیریت این ارتباط را بر عهده دارند.

در آرای محاکم امریکا آمده است که سردسته خودش را به این عنوان به افراد و عناصر مرتبط خارج از گروه می‌شناساند. به بیان دیگر افراد و عناصر خارج از گروه که به واسطه فعالیت مجرمانه با گروه در ارتباط‌اند، سردسته گروه را به این عنوان می‌شناسند. نکته دیگر این‌که در آرای محاکم مکرراً قید شده است که سردسته به تلاش در راستای جذب اعضای جدید برای گروه می‌پردازد. بدین ترتیب یک فرد فاقد منزلت خارجی مستحق عنوان سردستگی نیست. گرچه نمی‌توان وجود مسئولیت خارجی برای یک شخص را عاملی تعیین کننده برای سردستگی وی دانست، با این حال در پرونده‌ها بر این نکته تأکید شده است که یک نشانه مهم سردستگی، این واقعیت است که فرد خود را آشکارا به جهان خارج از گروه به‌عنوان رهبر و سردسته گروه معرفی کرده باشد. پرونده ساندرز و آنتونی ساندرز به‌خوبی حاکی از چنین شرطی است (United States v Saunders)^۱. در این پرونده متهمان، ساندرز و آنتونی ساندرز مادر و پسری بودند که در توزیع گسترده ماری جوانا از تگزاس تا ماساچوست شریک بودند (Ibid). این دو به مشارکت در توزیع حداقل صدکیلو گرم ماری جوانا و تملک حداقل صد کیلوگرم دیگر با قصد توزیع متهم شدند. ساندرز به هر دو جرم و آنتونی تنها به جرم اول محکوم شد. در حالی که مجازات ساندرز ۱۲۰ ماه حبس و مجازات آنتونی ۲۳۵ ماه حبس اعلام شد (Ibid). این تفاوت واضح در میزان مجازات ناشی از اعمال ۴ درجه تشدید مجازات نسبت به آنتونی به عنوان سردسته، از سوی دادگاه بدوی بود. در تأیید تشدید مجازات آنتونی

1. United States v. Saunders, 553 F.3d 81 (1st Cir. 2009)



به عنوان سردسته، دادگاه تجدیدنظر بیشتر بر نقشی که آنتونی در ارتباط با افراد خارج از گروه ایفا کرده بود، تأکید نمود. در نظریه دادگاه عنوان شد که آنتونی با مهیا کنندگان مواد در تگزاس ارتباط برقرار می کرده و علاوه بر پرداخت پول به آن‌ها اقدامات دیگری نیز انجام می داده است به نحوی که خودش را به عنوان سردسته شناسانده بود (Ibid). این نکته در پرونده دیگری نیز مورد تأکید قرار گرفت (United States v Piedrahita-Santiago).^۱ در این پرونده متهم به همراه شش مرد دیگر توسط گارد ساحلی ایالات متحده در یک کشتی بی پرچم و در حالیکه حدود ده هزار پوند ماری جوانا را حمل می کردند، دستگیر شد. متهم به عنوان سردسته گروه شناخته و محکومیت او چهار درجه تشدید شد. قرائنی وجود داشت که دادگاه را به این نتیجه رساند که متهم سردسته گروه است. از جمله این که متهم کسی بود که در مواجهه گارد ساحلی با گروه با آن‌ها صحبت کرد و ملیت کشتی را توضیح داد و نیز اجازه بازرسی کشتی توسط گارد ساحلی را داد (Ibid). وی در دفاع از خود در جهت فرار از اعمال عنوان سردستگی بیان داشت که من صرفاً یکی از خدمه‌های کشتی هستم و اگر با گارد ساحلی صحبت کردم دلیلش این بود که تنها کسی بودم که انگلیسی می دانستم (Ibid) با این حال حکم سردستگی وی تأیید شد و دادگاه تجدیدنظر بر تعامل متهم با گارد ساحلی و نیز قدرت آشکاری که وی بر اعضای گروه داشت، تمرکز نمود (Ibid).

۵.۲. کیفیات و شرایط اساسی سردستگی

با وجود طرح برخی ابهامات در خصوص سردسته و پاسخگویی به آن‌ها، هنوز هم کیفیات اساسی سردستگی برایمان مبهم هستند. در واقع بدنبال مشخصه‌های مهم و بنیادینی هستیم که چیستی مفهوم سردستگی را نشان می دهند. به دیگر بیان، کیفیاتی مد نظر است که غالباً در آرای دادگاه‌ها در تعیین وضعیت سردستگی و تشدید مجازات مرتکب مورد اتکا و استناد قرار می گیرند. لازم به ذکر است که همه این کیفیات برای متقاعد کردن دادگاه در احراز وضعیت سردستگی لازم نیست. درون مایه و مضمون این موارد به عنوان کیفیات اصلی سردستگی تقریباً روشن است. کنترل، سازماندهی و مسئولیت در قبال عمل دیگر اعضای گروه، مهم‌ترین بخش‌های این کیفیات‌اند. به تعبیر دیگر می توان گفت که تأثیر سردسته بر اعضای گروه و مسئولیت وی در قبال رفتار سایر اعضای گروه است که تعیین می کند کسی سردسته گروه مجرمانه است یا خیر. سایر مواردی که در مباحث قبل اشاره شد از قبیل تعامل شخص با افراد خارج از گروه و ... تعیین کننده نیستند. در واقع رفتارهای مذکور گرچه می توانند ما را در تشخیص سردسته گروه کمک کنند اما صرف وجود

1. United States v. Piedrahita-Santiago, 931 F.2d 127 (1st Cir. 1991)



آن‌ها کافی برای احراز این عنوان نیست و شرایط دیگری که کیفیات اساسی خوانده می‌شوند، تعیین کننده هستند. ذیلاً این کیفیات اساسی را با آوردن نمونه رأی توضیح می‌دهیم.

۱.۵.۲. تحلیل کیفیات اساسی سردستگی

همانطور که ذکر شد، مشخصه اساسی سردستگی، تأثیر سردسته در گروه و کنترل و سازماندهی اعضای گروه است. این کیفیت اساسی را می‌توان از چند مشخصه احراز کرد.

الف. کنترل و مدیریت بارز سایر اعضای گروه

این ویژگی در حقوق ایران با واژه‌های سازماندهی و اداره گروه مجرمانه آمده است. سازمان دهنده و مدیر یک گروه مجرمانه از قدرت بالایی در گروه برخوردار بوده و این قدرت را با اتخاذ تصمیمات کلیدی در گروه و نظارت بر سایر اعضا متجلی می‌سازد. این ویژگی به نحو بارزی از احکام دادگاه‌ها استنباط می‌شود. برای نمونه در پرونده ای دادگاه انقلاب اصفهان شخصی را به سردستگی باند سازمان یافته قاچاق مشروبات الکلی خارجی محکوم کرد. از محتویات پرونده بر می‌آید که این فرد علاوه بر ایجاد باند، کنترل دقیق بر اعضا و فعالیت‌هایشان داشته و به آن‌ها فرمان می‌داده است. دادگاه در حکم صادره خود به ماده ۲۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تبصره آن استناد کرده است.^۱ به علاوه این خصیصه در آراء محاکم آمریکا با این عبارات توصیف شده است: «یک سردسته کنترل کلی بر فعالیت‌های گروه دارد (United States v Johnson)^۲. سردسته قدرت کامل تصمیم‌گیری را در چارچوب گروه دارد (United States v Green)^۳». سردسته مستقیماً بر فعالیت‌های اعضای گروه نظارت می‌کند (United States v Bahena)^۴. همینطور با توجه به اینکه در حقوق این کشور میان سردسته و مدیر تمایز قائل‌اند، محاکم در آرای خود به این نکته اشاره کرده‌اند که «سردسته نه تنها بر اعضای گروه تأثیر می‌گذارد بلکه آن‌ها را ترغیب می‌کند که برای گروه از خودگذشتگی و ایثار نمایند (United States v Juarez)^۵» و یا «سردسته کار گروهی را به افراد گروه آموزش می‌دهد (United States v Betancourt)^۶». هر یک از عبارات ذکر شده در آرای محاکم به نوعی کنترل سردسته بر گروه و فعالیت مجرمانه را منعکس می‌نمایند.

۱. رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۶۷۲۰۱۰۰۶ شعبه یک دادگاه انقلاب اصفهان.

2. United States v. Johnson, 906 F.2d 1285, 1291-92 (8th Cir. 1990)

3. United States v. Green, 334 F. App'x 212, 213 (11th Cir. 2009)

4. United States v. Bahena, 223 F.3d 797, 806 (8th Cir. 2000)

5. United States v. Juarez, 546 F. App'x 619, 620 (9th Cir. 2013)

6. United States v. Betancourt, 422 F.3d 240, 246 (5th Cir. 2005)



ب. تعیین اهداف و استراتژی گروه

در واقع سردسته واجد نقشی مهم در شکل‌دهی اهداف و آرمان‌های گروه و نیز ساز و کارهای به‌کارگرفته برای رسیدن به آن اهداف است. گرچه در ماده ۱۳۰ قانون مجازات و تبصره‌های آن تعریف جامعی از سردسته گروه و تصریح به شرایط اطلاق این عنوان به افراد نشده است ولی از عبارات بکار رفته در تبصره ۲ ماده ۱۳۰ برمی‌آید که سردسته باید ریاست بر گروه را برعهده داشته و گروه را اداره نماید. مسلماً لازمه تحقق اداره گروه، تعیین اهداف و آرمان‌ها و گماشتن افراد گروه به انجام کارهایی در راستای تحقق این اهداف خواهد بود. چنین مشخصه‌ای با تعابیر مختلف در آرای محاکم ایالات متحده مورد توجه قرار گرفته است: «سردسته از اوامر دیگران تبعیت نمی‌کند و بلکه خودش ابتکار عمل بخرج می‌دهد (United States v Betancourt)»^۱ و «سردسته باید دستور جلسه را برای گروه تنظیم کند (United States v Wilson)»^۲. سردسته ساز و کارهای اساسی را پی می‌ریزد که به وسیله آن‌ها گروه برای رسیدن به اهدافش تلاش می‌کند (United States v Quigley)»^۳. از عبارات ذکر شده می‌توان احراز مشخصه‌های رهبری گروه را با فعالیت‌هایی همچون تعیین اهداف گروه و سازکارهای دستیابی بدان‌ها و در کل اعمال ریاست بر گروه را نشانه‌ای قوی برای تحقق عنوان سردسته و تشدید مجازات فرد دانست.

ج. مسئولیت نتایج

مدیریت سردسته با صرف وقت و انرژی بیشتر و ایفای نقش مهم‌تر در مقابل دریافت منافع بیشتر جلوه‌گر می‌شود. رویه قضایی ایران مؤید این ویژگی است. برای نمونه در یک پرونده آدم ربایی برخی از رفتارهای متهم منجر به صدور حکم سردستگی وی شد. از جمله اینکه متهم کسی بوده است که کل فرایند آدم ربایی را هدایت می‌نموده ضمن اینکه وجوهات اخاذی شده نزد وی بوده‌اند.^۴ آرای محاکم آمریکا نیز متضمن این است که یکی از نشانه‌های مدیریت و کنترل سردسته بر گروه مسئولیت وی در قبال موفقیت یا شکست گروه است. در واقع آثار موفقیت یا شکست گروه بیشتر از همه متوجه سردسته می‌شود. محاکم با تعابیر مختلفی این مفهوم را ذکر کرده‌اند، برای نمونه: «سردسته مسئولیت نهایی را در قبال موفقیت گروه دارد (United States v Herrera)»^۵.

سردسته اغلب منافع بیشتری را از فعالیت گروهی بدست می‌آورد و بیشتر از سایرین از نتایج

1. United States v. Bennett, 291 F.3d 888, 898 (6th Cir. 2002)
2. United States v. Wilson, 185 F. App'x 6, 9 (1st Cir. 2006)
3. United States v. Quigley, 373 F.3d 133, 139 (D.C. Cir. 2004)
4. <https://www.isna.ir/news/8303-06359>
5. United States v. Herrera, 878 F.2d 997, 1000 (7th Cir. 1989)



فعالیت مجرمانه بهره مند می‌شود (United States v Rider)^۱. بدین ترتیب تحصیل بیشترین بهره از نتایج فعالیت مجرمانه از نشانه‌های سردستگی شخص قلمداد می‌شود.

د. شناخت درون گروهی

یکی دیگر از مشخصه‌های سردسته که مدیریت و کنترل وی بر گروه را منعکس می‌کند این است که سردسته توسط اعضای گروه به این عنوان شناخته می‌شود. در واقع نه تنها افراد خارج از گروه و بلکه اعضای گروه هم سردسته را با این عنوان به رسمیت می‌شناسند (United States v Hardamon)^۲. به زعم محاکم، گرچه افراد خارج از گروه ممکن است نسبت به وضعیت یک شخص در چارچوب گروه از حیث عنوان سردستگی گمراه شده و اشتباه نمایند، اعضای گروه معمولاً در این خصوص اشتباه نمی‌کنند. به دیگر بیان دادگاه‌ها به این نتیجه دست یافته‌اند که شناسایی یک فرد توسط اعضای گروه به‌عنوان سردسته، نشانه بارزی از وجود وضعیت سردستگی وی است (Ibid).

ه. کارکرد قانون‌گذاری و قضایی

یکی دیگر از شاخصه‌های سردسته عملکرد قانون‌گذاری و قضایی است. به تعبیر محاکم، سردسته نوعاً عملکرد قانون‌گذاری دارد و این نقش را با ترسیم اهداف گروه و تنظیم دستورالعمل‌هایی برای رسیدن به آن اهداف ایفا می‌کند. به علاوه سردسته‌ها کارکرد قضایی هم دارند. بدین ترتیب که سردسته تکالیف را به اعضا محول کرده و از کار ضعیف انتقاد می‌کند (افشاری، پیشین: ۱۴). وی قدرت عمل را در دست داشته و در مقابل تخلفات اعضا واکنش نشان می‌دهد. در این خصوص در حقوق آمریکا آمده است: «سردسته منازعات میان اعضای گروه را حل و فصل می‌کند» (Ibid) و یا «سردسته کسی است که اعضای گروه را در صورت نقض قواعد گروه مجازات می‌کند» (United States v Perez)^۳. در رأی مشابه دیگری آمده است: «سردسته نوعاً قدرت اخراج اعضا از گروه را دارد (United States v Chavez)». آرای ذکر شده قدرت قضایی را که محاکم برای سردسته به رسمیت می‌شناسند، منعکس می‌کنند. حل منازعات درون گروهی و اعمال مجازات حتی به شدیدترین شکل ممکن یعنی اخراج از گروه نمایانگر قدرت قضایی سردسته است.

1. United States v. Rider, 388 F. App'x 631, 632 (9th Cir. 2010)

2. United States v. Hardamon, 188 F.3d 843, 851 (7th Cir. 1999)

3. United States v. Rider, 388 F. App'x 631, 632 (9th Cir. 2010), United States v. Hardamon, 188 F.3d 843, 851 (7th Cir. 1999), United States v. Perez, 38 F. App'x 381, 384 (9th Cir. 2002)



آنچه که از کیفیات اساسی سردستگی مذکور در آراء استنباط می‌شود قدرت برتر سردسته در گروه است. در واقع می‌توان گفت که از منظر محاکم امریکا، گروه مجرمانه دقیقاً معادل یک جامعه کوچک بشمار می‌آید که رهبر یا رهبرانی اداره آن را بر عهده دارند و به نوعی فعالیت‌های حاکمیتی همچون قانونگذاری، قضاوت، تعیین اهداف و آرمان‌ها و ساز و کارهای تحقق آن‌ها، بهره‌گیری عمده از منافع تحصیل شده و کنترل و سازماندهی گروه را در انحصار خود دارند. چنین ویژگی‌هایی است که فرد را مستحق عنوان سردسته یا رهبر گروه مجرمانه و سزاوار تشدید مجازات می‌سازد. در حقوق ما قانونگذار مفهوم سردستگی را با ارتکاب رفتارهایی همچون تشکیل، طراحی، سازماندهی و اداره گروه مجرمانه محقق می‌داند. بر همین اساس بنظر می‌رسد که مفهوم سردستگی در حقوق ما گسترده‌تر از حقوق ایالات متحده است. چرا که با تحقق هر یک از رفتارهای چهارگانه ذکر شده، مرتکب به عنوان سردسته قابل مجازات است. به عنوان مثال صرف تشکیل گروه مجرمانه یا طراحی آن نیز می‌تواند موجب اطلاق عنوان سردستگی به فرد شود گرچه مرتکب این رفتارها گروه مجرمانه را اداره نکرده باشد. این تفاوت ریشه در تفکیکی دارد که در حقوق امریکا میان سردسته و بانی با مدیر و سرپرست فعالیت مجرمانه قائل‌اند و بانی و سردسته گروه مجرمانه را قانوناً مستحق تشدید مجازات بیشتری می‌دانند. در عین حال می‌توان گفت که در حقوق ما نیز احراز کیفیات اساسی همچون تعیین اهداف و آرمان‌های گروه و خط و مشی‌ها و راههای رسیدن به آن‌ها، بردن سهم زیاد از منافع مجرمانه، قدرت جذب و اخراج اعضای گروه می‌توانند نشانه سردستگی فرد بوده و به نوعی تداعی بیرونی «اداره» یا «سازماندهی» گروه مجرمانه باشند.

نتیجه‌گیری

ارتکاب جرم به‌عنوان یک رفتار ضد اجتماعی همانند سایر رفتارها و فعالیت‌های انسانی تحت‌تأثیر شرایط و امکانات موجود در اجتماع قرار می‌گیرد. آنچه مشهود است این که شرایط زندگی اجتماعی امروز، مجرمین را به سمت ارتکاب گروهی و سازمان یافته جرم سوق داده است. راهکاری که هم موفقیت آن‌ها در رسیدن به اهداف و آماجشان را سهل تر کرده و هم مقابله دستگاه پلیسی و قضایی با آن‌ها را سخت تر نموده است. به طور معمول، گروه‌هایی که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شوند نیازمند سازماندهی، انسجام و تقسیم فعالیت هستند که این امور توسط فرد یا افرادی که سردستگی گروه را بر عهده دارند انجام می‌پذیرد. سردستگی به‌عنوان یک کیفیت مشدده در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های این ماده پیش بینی شده است و گرچه قانونگذار در تبصره ۲ سردستگی را تشکیل، طراحی، سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه می‌داند، شرایط اطلاق

این عنوان در قانون روشن نشده و مسلماً محاکم در عمل با ابهامات و سؤالات بسیاری مواجه خواهند شد. اهمیت این مسأله بخصوص با توجه به تعیین حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی توسط اعضای گروه در راستای اهداف آن برای سردسته بیشتر احساس می‌گردد. بررسی تطبیقی موضوع در حقوق ایالات متحده و با توجه به اهمیت رویه قضایی در حقوق این کشور می‌تواند زوایای مبهم مسأله را آشکار کرده و چشم انداز روشنی در حقوق داخلی بگشاید. در آمریکا سردستگی به عنوان یک کیفیت مشدده در قانون جامع کنترل جرم ۱۹۸۴ و دستورالعمل مجازات فدرال که توسط کمیسیون مجازات ایالات متحده و پس از بررسی گسترده آراء محاکم تهیه شد، پیش بینی شده است. مسلماً قانون کلی بوده و محاکم در عمل در احراز عنوان سردستگی با سؤال مواجه می‌شدند. مطالعه رویه قضایی این کشور نشان می‌دهد وجود کیفیاتی اساسی برای اعمال تشدید مجازات به عنوان سردسته ضروری است. این کیفیات متضمن مواردی همچون کنترل سردسته بر اعضای گروه، سازماندهی گروه و فعالیت‌های آن و نیز مسئولیت وی در قبال رفتارهای اعضا است. بررسی بیشتر ما را به این سمت رهنمون می‌شود که از منظر محاکم اعمال کیفیت مشدده سردستگی مستلزم احراز قدرت برتر سردسته بر گروه و اعضای آن است که خود را در قالب رفتارهای حاکمیتی همچون وضع قانون و ترسیم راهکارهای دسترسی به اهداف گروه، قضاوت و اعمال مجازات بر افراد خاطی، بهره‌گیری از بیشترین منافع تحصیل شده در گروه و ... جلوه‌گر می‌سازد. ضمن اینکه کنترل بر اموال گروه به تنهایی برای تحقق این عنوان کافی نیست. گرچه با توجه به تفکیک میان سردسته و مدیر در حقوق این کشور، می‌تواند عنوان مدیر را محقق سازد. در حقوق ایران قانونگذار، سردستگی را با صدق هر یک از رفتارهای تشکیل، طراحی، سازماندهی و یا اداره گروه مجرمانه محقق می‌داند. رفتارهای موجب تحقق این عنوان همگی به نوعی حاکی از قدرت مرتکب و خلاقیت وی در تشکیل و طراحی گروه و تعیین اهداف و راههای رسیدن بدان‌ها در سازماندهی و اداره گروه مجرمانه است. بر این اساس می‌توان گفت در حقوق ایران ارتكاب هر یک از رفتارهای فوق، مرتکب را مستحق عنوان سردستگی ساخته و زمینه ساز تشدید مجازات وی خواهد شد. بدین ترتیب می‌توان گفت رویکرد حقوق ایران در خصوص سردستگی سختگیرانه‌تر بوده و قانون‌گذار تفکیکی میان رفتارهای مختلف قائل نشده و نیز تعداد اعضای گروه را ملاکی برای میزان تشدید مجازات ندانسته است.



منابع

- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳)، **حقوق جزای عمومی**، جلد سوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶)، «مطالعه جرم شناختی جرائم سازمان یافته»، **حج اندیشه** (هم افزایی فقه و حقوق در تحقق عدالت و تعالی انسان)، قم: انتشارات دانشگاه مفید، ص ۶۷۰-۶۵۳.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، ویراست دوم، چاپ ۳۰، تهران: نشر میزان.
- افشاری، فاطمه (۱۳۹۳-۱۳۹۲)، «سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- بیابانی، غلامحسین (۱۳۸۷)، «جرائم سازمان یافته و چالش‌های آینده»، **نشریه کارآگاه**، دوره دوم، سال دوم، شماره ۵، ص ۱۰۰-۶۸.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۵)، «شرکت در جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، **مجله حقوق اسلامی**، سال ۱۳، شماره ۵۰، ص ۳۵-۷.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۸۰)، «بررسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌المللی»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۸۳)، «جرائم سازمان یافته»، **مجله فقه و حقوق**، سال اول، شماره ۱، ص ۱۳۰-۱۰۹.
- عدالتخواه، محمدرضا (۱۳۹۲)، **مبسوط قانون مجازات اسلامی**، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- کی نیا، محمد (۱۳۷۴)، **روانشناسی جنائی**، تهران: انتشارات رشد.
- محمدی، قاسم و عباس زاده امیرآبادی، احسان (۱۳۹۴)، «رویکرد جرم شناختی به مقوله مشارکت جنائی»، **مجله پژوهش حقوق کیفری**، دوره چهارم، شماره دوازدهم، ص ۱۴۵-۱۲۵.
- میرکمالی، سید علیرضا و عباس زاده امیرآبادی، احسان (۱۳۹۲)، «نقش اسناد هویتی در پیشگیری از جرائم سازمان یافته»، **مجله آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۷، ص ۲۰۲-۱۷۷.
- میلانی، علیرضا و باقری، نفیسه، شیرازی مقدم، محمدمهدی (۱۳۹۵)، «عملکرد نظام حقوقی ایران در مواجهه با جرائم سازمان یافته»، **فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی**، دوره ۲، شماره ۱، ص ۱-۱۱.
- An Overview of the United States Sentencing Commission, U.S. Sentencing Comm'n, http://www.ussc.gov/sites/default/files/pdf/about/overview/USSC_Overview.pdf2- American Law Reports. Fed.2d, 2010



- Convention against Transnational Organized Crimes, 2000, Art 2
- Cressy, Donald, R. (1969), **Theft of the Nation: The Structure and Operations of Organized Crime in America**, New York & Albanese, Jay S. (1989), **Organized Crime in America**, 2nded, Ohio, Cincinnati.
- Stith, Kate & Koh, Steve Y. (1993), The Politics of Sentencing Reform: The Legislative History of the Federal Sentencing Guidelines, “**28 Wake Forest Law Review**”, P. 223- 280.
- Reilly, E.F. (1997), History of the United States Parole Commission, 9 **Security Journal**, p. 49-54.
- Scordato, Marin Roger (2015), A Legal Definition of Leadership: Understanding § 3B1.1 of the Federal Sentencing Guidelines, **Lewis & Clark L. Rev.** Volume 19, Number 4, p. 1061-1081.
- The Sentencing Reform Act of 1984.
- U.S. Sentencing Comm’n (2012), Other Stakeholders’ Views on Sentencing Reform, in Report on the Continuing Impact of United States v. Booker on Federal Sentencing pt. F.
- <https://www.isna.ir/news/8303-06359>
- <https://www.isna.ir/news/97052815046>